

دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال چهارم

بهار و تابستان ۱۳۹۸ شماره چهل و نهم

نقد و ارزیابی تطبیقی برخی از ترجمه های معاصر فارسی قرآن کریم از مصدرهای میمی سوره بقره

علی اسودی^۱

چکیده

ترجمه متون مقدس در رأس آن قرآن کریم، از ضروریات تبلیغی دین اسلام به شمار می آید. توجه به رسالت فرا زمانی و فرا مکانی قرآن، دانشوران بسیاری را در طول تاریخ اسلام بر آن داشت تا اقدام به ترجمه قرآن کنند. از جمله آنها، دقت در ترجمه مصدر میمی در قرآن کریم است. مصدر میمی از دیدگاه علما صرف، نحو و تفسیر، اسمی است که معنی آن شبیه مصدر اصلی، همراه با قوه دلالت و تأکید بوده، و علاوه بر حدث، غالباً بر انتهاء و نهایت امری نیز دلالت دارد. بررسی کتابخانه ای - تحلیلی ترجمه های معاصر قرآن کریم، از مصدرهای میمی سوره بقره، در سه شیوه تحت اللفظی از ابوالحسن شعرانی، تفضیلی از مهدی الهی قمشه ای، عبدالمحمد آیتنی و محمدرضا صفوی، و وفادار از ناصر مکارم شیرازی، مهدی فولادوند، مصطفی خرمدل، ابوالفضل بهرام پور، نشان می دهد که در همه این ترجمه ها معنای اصلی مصدر میمی مغفول واقع شده، و ترجمه امین یا وفادار تا حدودی به معنای اصلی مصدر میمی، که همان نهایت و سرانجام امر است، اشاره دارد. با لحاظ نمودن کارکرد واقعی مصدر میمی، جدولی از ترجمه مصادر میمی سوره بقره ارائه، و با بیان ترجمه پیشنهادی، معنای صحیح کلام الهی آشکار، و فهم بهتر آیات قرآن کریم را فراهم، و راهگشای مترجمان بعدی، و پویایی دانش ترجمه قرآنی خواهد شد.

کلید واژه ها: قرآن کریم، ارزیابی، نقد، ترجمه، مصدر میمی، سوره بقره

مقدمه

ترجمه متون مذهبی از دیرباز رونق فراوان داشته است. در میان کتب آسمانی، قرآن کریم دارای آنچنان اعجاز معنوی و لفظی، بلاغت و شیوایی است که آن را از سایر کتب آسمانی متمایز می‌سازد. اما امروزه به جهت عوامل گوناگونی چون فاصله گرفتن از فضای نزول، گسترش اسلام به فراتر از جزیره العرب، و... معنای واژگان قرآن کریم در ترجمه به زبان‌های دیگر از جمله فارسی، آنگونه که مراد خداوند بوده معانی برخی از واژگان قرآن کریم انتقال پیدا نکرده است. از جمله این ترجمه‌ها، دقت در ترجمه مصدر میمی در قرآن کریم است. مصدر میمی در علم صرف و تفسیر، اسمی است که معنی آن شبیه مصدر اصلی، همراه با قوهٔ دلالت و تأکید است. علمای صرف و نحو همچون فاضل سامرای و راغب اصفهانی، در خصوص معنای مصدر میمی و کارکرد واقعی آن معتقدند، این مصدر علاوه بر حدث، غالباً بر انتهاء و نهایت امری دلالت دارد. (سامرای، ۱۴۲۸ق، ۳۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۱ / ۱۶۹) اگرچه در کتب صرف و نحو، توضیح مصدر بیان شده، و یا درباره آسیب‌شناسی و بحثهای مرتبط با ترجمه، مقالات و کتب گوناگونی تألیف شده است؛ اما در مورد آسیب‌شناسی ترجمه مصدر میمی، تاکنون نوشته‌ای یافت نشد؛ لذا توجه به آسیب‌شناسی این مهم لازم و ضروری مینماید. از آنجا که مضامین این پژوهش‌ها ارتباطی با بحث مدنظر ما ندارند، به ذکر چند نمونه اشاره کرده و مطالعه نتایج برآمده از این تحقیقات را بر عهده خواننده محترم میگذاریم.

- آسیب‌شناسی ترجمه‌های قرآن رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ مجله پژوهشهای قرآنی، زمستان ۴۸۳۱، شماره ۱۱

- آسیب‌شناسی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم و طبقه‌بندی نقدهای ارائه شده، دانیالی، امیر، مجله پژوهش و حوزه، بهار ۴۸۳۴، شماره ۹

- جایگاه ساختار نحوی-بلاغی مفعول به (در ترجمه قرآن کریم)، قلی زاده، حیدر، پژوهشهای قرآنی، پاییز و زمستان ۴۸۳۳، سال پانزدهم، شماره ۹۹ و ۶

نقد و ارزیابی تطبیقی برخی از ترجمه‌های معاصر فارسی قرآن کریم..... ۱۱۱۱

-مرجع شناسی ترجمه و نقد ترجمه‌های فارسی، فرج الله، غلامی، بینات، بهار و تابستان ۴۸۳۹، شماره ۱۹ و ۹۶

مسئله اصلی پژوهش پیشرو، آسیب شناسی ترجمه مصدر میمی سوره بقره در ترجمه‌های قرآن کریم به زبان فارسی است. در این مقاله با روش کتابخانه‌ای و با رویکرد مروری-تحلیلی، مصدرهای میمی سوره بقره را بررسی و بازتاب معنایی آن در آیات منتخب، آسیب شناسی شده است. ترجمه‌هایی از صاحب نظران معاصر در امر ترجمه را در سه شیوه کلمه به کلمه یا تحت اللفظی، ترجمه آزاد یا تفضیلی، و ترجمه امین یا وفادار، مورد بررسی قرار گرفت، و برای بیان کمیت و کیفیت ترجمه‌های مورد مدنظر، جهت ارائه کمترین یا بیشترین خطا در ترجمه مصدر میمی، نمودار آماری ارائه گردید، و در نهایت با بررسی آرای لغویون و مفسران، ترجمه پیشنهادی ارائه شده است. تلاشهایی که در این پژوهش انجام گرفته در جهت تبیین جایگاه و اهمیت ترجمه صحیح، جهت افاده معنا و مقصود کلام الهی است؛ که این مهم بکارگیری بهتر قواعد ادبیات عرب در ترجمه و فهم آیات قرآن کریم را می طلبد.

۱. مبانی و چهارچوب نظری

مهمترین مبانی و چارچوب نظری این پژوهش عبارتند از:

۱.۱. تعریف مصدر میمی

در دانش صرف، اسم به اعتبارات مختلفی تقسیم می گردد که یکی از مهمترین آنها تقسیم اسم به مصدر و غیر مصدر است. مصدر خود به مصدر اصلی، میمی، صناعی و همچنین مره، هیئت، صریح، مؤول و اسم مصدر تقسیم می شود. (شرتونی، ۱۴۲۷ق، ۳۰۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۲ ش، ۱۲؛ عرب خراسانی، ۱۳۸۹ش، ۱۲۳؛ کشمیری، ۱۳۷۹ش، ۲۸۷) مصدر میمی، اسمی است که معنی آن شبیه مصدر اصلی است همراه با قوه دلالت و تأکید که به خاطر میم زائده‌ای که بر سر آن آمده است به آن مصدر میمی گفته می شود. وزن مصدر میمی در ثلاثی مجرد و غیر ثلاثی مجرد قیاسی است. در ثلاثی مجرد بر وزن، مَفْعَل، مَفْعَل، مَفْعَل است. وزن «مَفْعَل» مشترک میان صیغه‌های اسم مکان، زمان و مصدر میمی دانست. در غیر ثلاثی مجرد بر وزن- ثلاثی مزید،

رباعی مجرد، رباعی مزید- بر وزن مضارع مجهول است، که میم مضمومی را جایگزین حرف مضارعه می کنیم. (یعنی بر وزن اسم مفعول) (ابن منظور، ۱۳۶۳ش، ۳۲۶/۵؛ حملاوی، بی تا، ۱۱۳، سامرائی، ۱۴۲۸، ۳۱؛ حسن، ۱۴۲۲ق، ۳۲۵؛ غلابینی، ۲۰۰۴م، ۳۶۷؛ نیشابوری، ۱۴۲۸ق، ۴۳۲؛ استرآبادی، ۱۳۹۵ش، ۲۳۷؛ بستانی، ۱۳۷۵ش، ۱۹۴)

۱.۲. کارکرد واقعی مصدر میمی

کارکرد واقعی مصدر میمی، به تفاوت های ظاهری، لفظی و معنوی مصدر میمی با مصدر اصلی، که در علم صرف و نحو بدانها اشاره شده است، بازمی گردد. تفاوت های لفظی آنها عبارتند از:

الف. آنکه مصدر میمی حال واقع نمی شود، ولی مصدر قیاسی و اصلی حال واقع می شود. یعنی عرب زبان توقع از مصدر میمی برای زمان حال ندارد. مثلاً می گوید: "جاء سعياً" نمی گوید "جاء مسعی". زیرا در استعمال بین آن دو تفاوت قائل است. (سامرائی، ۱۴۲۸ق، ۳۳)

ب. عرب از مصدر میمی در مفعول له استفاده نمی کند، ولی در مصدر اصلی به عنوان مفعول له قرار می گیرد. مثلاً می گوید "قتلته خشیه الوشایه علیه" نمی گوید: "مخشی الوشایه". (همان) از لحاظ ظاهری نیز این مصدر اصلی با مصدر میمی تفاوت های دارند که عبارتند از:

ألف) تفاوت در اوزان مصدر اصلی و میمی چه در ثلاثی مجرد و چه در غیر ثلاثی مجرد. ب) تفاوت در سماعی و قیاسی بودن اوزان مصدر اصلی و مصدر میمی در ثلاثی مجرد. (سامرائی، ۱۴۲۸ق، ۳۵)

در مورد تفاوت معنوی نیز نحوین معتقدند که معنای مصدر میمی شبیه مصدر اصلی است، با این تفاوت که معنای مصدر میمی - علاوه بر حدث - غالباً بر إنتهاء و نهایت کاری دلالت می کند. مانند: «عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ مَتَابُ» (رعد: ۳۰) که «مَتَابُ» به معنای توبه کامل یا نهایت توبه است به طوری که مصدر اصلی آن چنین معنایی را نمی رساند. (استرآبادی، ۱۳۹۵ش، ۲۳۷) همچنین در مورد تفاوت معنایی آنها آورده اند: «این مصدر مطابق مصادر دیگر نیست و الا در

تدو ارزیابی تطبیقی برخی از ترجمه‌های معاصر فارسی قرآن کریم..... ۱۳۱۱۱

صیغه اش اختلاف پیدا نمی کرد، به طور مثال "مصیر" با صیروت مطابقت ندارد، و... مصدر میمی غالباً همراه خویش عنصر ذات را حمل می کند، برخلاف مصدر غیر میمی که فقط معنای مجرد حدث از هر چیز را به دنبال دارد. قول خداوند که می فرماید: «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (شعراء: ۲۲۷) با معنای انقلاب مطابقت ندارد انقلاب به معنای مجرد حدث است و منقلب معنای ذات را حمل می کند. مصدر اصلی به چیزی دیگری جز حدث متلبس نیست. اما مصدر میمی غالباً متلبس به ذات است. مثلاً در آیه «وَإِلَى الْمَصِيرِ» و آیه «فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ» (ابراهیم: ۳۰) مصیر به معنای منتهای امر. یا مثلاً بین توبه و متاب فرق است. متاب یعنی توبه تامه و آن جمع بین ترک قبیح و تحری جمیل است. "علیه توکلت و الیه متاب" (رعد/ ۳۰) (سامرایی، ۱۴۲۸ق، ۳۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۱/ ۱۶۹) گویی غایت در توبه یا منتهای توبه را اراده کرده است. تفاوت معنوی دیگر آن دو اینکه: مصدر میمی به خاطر میم زائده ای که بر سر آن آمده دلالت بر قوَّت و تأکید معنا می کند در حالی که مصدر اصلی چنین معنایی را ندارد. (حسن، ۱۴۲۲ق، ۳۲۵؛ غلابینی، ۲۰۰۴م، ۳۶۷؛ نیشابوری، ۱۴۲۸ق، ۴۳۲؛ استرآبادی، ۱۳۹۵ق، ۲۳۷؛ بستانی، ۱۳۷۵ش، ۱۹۴؛ سامرایی، ۱۴۲۸ق، ۳۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۱/ ۱۶۹)

۳.۱. شیوه های ترجمه

هر چند در نامگذاری روشهای ترجمه اختلاف نظر وجود دارد، اما مهمترین این شیوه ها، بر اساس گونه های انتقال مطلب از زبان مبدأ به زبان مقصد عبارتند از:

۳.۱.۱. شیوه کلمه به کلمه یا تحت الفظی: در این شیوه دغدغه اصلی مترجم حفظ امانت است لذا به جای هر کلمه از زبان مبدأ، کلمه ای از زبان مقصد را جایگزین میکند و همه کلمات و حروف دقیقاً همانگونه که در زبان مبدأ است به زبان دوم برگردان شود. (محقق، ۱۳۴۴ش، ۳۰۱؛ قلی زاده، ۱۳۸۰، ۲۲) اگرچه این روش دارای محاسنی چون: امانت در نقل مطالب، رعایت نظم و ترتیب و بیان مطالب بدون کم و زیاد، عدم دوری مخاطب و مترجم از نص

کتاب، و...، اما اغلب بدلیل زیان‌هایی نظیر: گنگ و نارسا بودن نسبت به سایر انواع ترجمه، ارزش ارتباطی ناچیز، انتقال پیام دشوار، عدم انسجام و تعادل ترجمه بدلیل پابندی بیش از حد به زبان مبدأ و الگوهای دستوری آن، عدم رعایت جایگاه هر واژه در ترجمه (وجوه و نظایر)، معادل نداشتن برخی از حروف تأکید، موصولات، نون تأکید و...، مغفول ماندن معانی واقعی اصطلاحات، تشبیهات و کنایات، و... موجب تغییر کلی معنا گشته و از مقبولیت کمتری برخوردار است (پاینده، ۱۳۳۷، ش، ۷؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ش، ۱ / ۲۳۹)؛ همچنین بسیاری از معانی، که از معنای ثانوی کلمات استنباط می‌شود، در این ترجمه از دست رفته، هدایت مردم تحقق نمی‌یابد و اعجاز آن باز می‌ماند. (سیدی، ۱۳۹۰، ش، ۱۸۲؛ مجتبی، ۱۳۷۲، ش، ۳۶؛ فیاض بخش، ۱۳۸۹، ش، ۱۰؛ معرفت، ۱۳۸۳، ش، ۱ / ۱۱۸) علت اصلی پرداختن مترجمان به این شیوه دو مطلب بود: نخست آنکه ترس مترجمان مؤمن از اینکه با دور شدن از نص و الفاظ قرآن، از مراد خدا دور شوند؛ و دوم اینکه صناعت ترجمه و شناخت زبان در حد ابتدایی بوده است. (رضایی اصفهانی، ۱۴۳۱ق، ۲۷۱) این نوع ترجمه را می‌توان به وفور در ترجمه‌های کهنی چون ترجمه تفسیر طبری و ترجمه‌های متأخری چون ترجمه معزی، شعرانی، یاسری، اشرفی تبریزی، مصباح زاده و... یافت.

۱. ۲. ۳. شیوه آزاد یا تفضیلی: برخی مترجمان به ترجمه معنا و مفهوم قرآن پرداخته و با حفظ معنای اولیه، کلمات را به زبان دوم بازگو می‌کنند و خلاصه تفاسیر را لابه لای ترجمه می‌کنند. انتقال پیام نه معانی عبارات و جملات متن در قالب و ساختارهای زبان مقصد، تنها هدف مترجم از این روش است. (قلی زاده، ۱۳۸۰، ش، ۲۸) در این شیوه بسیاری از ریزه کاری‌ها و هنرهای ادبی و مزایای دیگر قرآن مورد غفلت قرار گرفته است. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ۲۶۳؛ ۲۶۱) پس بدیهی است که نمی‌توان نام ترجمه را بر آن نهاد. (مکام شیرازی، ۱۳۷۶، ش، ۱۶) گاهی ترجمه آزاد، برابر با ترجمه معنایی، بیان می‌شود؛ یعنی مترجم سعی می‌کند معنایی را از قالبی به قالب دیگر ریخته، تا معنای مقصود کاملاً اداء، و بی‌کم و کاست

تقدیر زیبایی تطبیقی برخی از ترجمه‌های معاصر فارسی قرآن کریم..... ۱۵۱۱۱

مراد متکلم برگردانده شود، اما ممکن است یک یا چند کلمه بر عبارت بیافزاید، تا معنا به خوبی روشن گردد. زیرا بیشتر سعی بر انتقال کامل مفاهیم است نه تطابق لفظی. (معرفت، ۱۳۸۳ ش، ۱ / ۱۱۴) این روش با وجود محسناتی چون انسجام کامل، استفاده از اضافات تفسیری برای روشن شدن معنای کلام، ترتیب عناصر دستوری، روان بودن متن ترجمه بیش از هر ترجمه دیگر؛ زیان‌هایی نظیر: عدم تعادل ترجمه بطور کامل، عدم تکیید مترجم به انتقال دقیق محتوای متن، مخلوط شدن ترجمه با توضیحات اضافی و تفسیری، ارائه فهم و معنای ترجیحی مترجم از مطالب، عدم وفاداری نسبت به متن مبدأ، وجود حذف و اضافه در لفظ و معنا، انتقال پیام نویسنده در قالب زبان مقصد ولو آنکه در این انتقال معادل‌های الفاظ متن کم، زیاد یا دگرگون شود و یا نقش نحوی آنها تغییر یابد، و... بر آن مترتب است (قلی زاده، ۱۳۸۰ ش، ۲۲ و ۲۳؛ بی آزار شیرازی، ۱۳۷۷ ش، ۱ / ۲۶۵ - ۲۶۷) نمونه‌های از آن مانند: ترجمه فیض الاسلام، ترجمه یاسری، ترجمه الهی قمشه‌ای، ترجمه قرآن مجد و معانی القرآن محمد باقر بهبودی.

۱. ۳. ۳. شیوه امین یا وفادار: ترجمه وفادار یا امین، حد فاصل ترجمه تحت اللفظی و ترجمه تفصیلی است. (بی آزار شیرازی، ۱۳۷۷ ش، ۲۴۷) یک ترجمه وفادار می‌کوشد تا معنای دقیق متن اصلی را در محدوده ساختار دستوری زبان مقصد ایجاد نماید و به مقصود نویسنده متن زبان مبدأ، و تحقق متنی او وفادار باشد. این ترجمه شامل محسناتی چون: انتقال دقیق پیام و محتوای متن مبدأ، رعایت ساختارهای ادبی و بلاغی و ظرافت آن‌ها، نزدیک بودن به ساختارهای معیار زبان مقصد، انتقال دقیق پیام، تعادل ترجمه انسجام کامل ترجمه به دلیل وفاداری به زبان مقصد، حداقل بودن حذف و اضافه به دلیل وفاداری به ساختارهای هر دو متن (مبدأ و مقصد)، روانی و شیوایی ترجمه، و... می‌باشد. (قلی زاده، ۱۳۸۰ ش، ۲۵ و ۳۲؛ خرمشاهی، ۱۳۷۷ ش، ۵۰؛ قلی زاده، ۱۳۸۰ ش، ۳۲) ترجمه‌های آقایان خرمشاهی، خرم‌مدل،

مکارم شیرازی، پاینده، خواجهوی، فولادوند، جلال‌الدین فارسی، جلال‌الدین مجتبوی، مشکینی، از زمره این نوع ترجمه است.

۲. مصدر میمی در سوره بقره

به منظور بیان معنای دقیق مصدر میمی - قوت و تاکید بر انتهاء و نهایت کاری - و با توجه به سه شیوه اصلی ترجمه در ترجمه های معاصر از جمله: ترجمه کلمه به کلمه یا تحت اللفظی از ابوالحسن شعرانی، ترجمه آزاد یا تفصیلی از مهدی الهی قمشه ای، عبدالمحمد آیتی و محمدرضا صفوی، و ترجمه امین یا وفادار از ناصر مکارم شیرازی، مهدی فولادوند، مصطفی خرمدل، ابوالفضل بهرام پور، ترجمه مصدرهای میمی سوره بقره را بررسی کرده تا توجه یا آسیب های عدم توجه به ترجمه دقیق معنای مصدر میمی در این ترجمه ها آشکار گردد. مصدرهای میمی سوره بقره عبارتند از:

۲. ۱. «وَبُئِسَ الْمَصِيرُ» (بقره: ۱۲۶) «وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (بقره: ۲۸۵)

لغت و تفسیر: «الْمَصِيرُ» مصدر میمی برای فعل صار یصیرُ، به معنای رَجَعَ، (صافی، ۱۴۰۶، ش، ۱ / ۲۶۲؛ طوسی، ۱۳۸۸، ش، ۱ / ۴۵۹) ثلاثی مجرد بر وزن مَفْعِل به کسر العین الفعل، که اعلال صورت گرفته و حرکت الیاء منتقل شده به الصاد منتقل و ساکن شده است. به معنای بدترین بازگشت گاه، سرانجام و آخرین بازگشت، و بدترین حالتی که به سوی آن فراخوانده می شوند، و شدت وعید الهی را بیان میدارد. (طوسی، ۱۳۸۸، ش، ۱ / ۴۵۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ش، ۱ / ۳۵۱) همچنین جایز است معنای آن در تقدیر اینگونه شود: و بُئِسَ الصیرورَةُ صیرورته إلی العذاب (آلوسی، ۱۴۰۵، ش، ۱ / ۳۸۱؛ اندلسی، ۱۴۲۵، ش، ۱ / ۶۱۸) یعنی مومنان به رحمت و کافران به غضب او بازگشت می کنند و این نهایت مسیری است که خود انتخاب کرده اند. «وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» یعنی رجوع و برانگیختن به سوی جزا، پاداش و حکم خدا، (طبرسی، ۱۳۷۲، ش، ۲ / ۷۲۹) و إِلَيْكَ الْمَصِيرُ یعنی تذلیل به سبب آنچه قبل از آن انجام داده، برای اقرار به حاجتش و طلب مغفرت. (طوسی، ۱۳۸۸، ش، ۲ / ۳۸۴؛ آلوسی، ۱۴۰۵، ش، ۲ / ۶۶؛ اندلسی، ۱۴۲۵، ش، ۲ /

تذویر زیبایی تطبیقی برخی از ترجمه‌های معاصر فارسی قرآن کریم..... ۱۷۱۱۱

(۷۵۹) مجرور به جهت إفاده حصر مقدم شده، یعنی المصیر إليك لا إلى غیرك: هیچ کس دیگری نیست. و این قصر حقیقی است یعنی آنها قصد داشتند این کار را انجام دهند. (ابن عاشور، ۱۴۲۷ق، ۲/۵۹۶) پس دلالت می کند بر اینکه شما از این عذاب راه گریزی ندارید، و خدا هم از آن صرف نظر نمی کند، و این خود تهدید در جمله قبلی را تاکید می نماید. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۳/۱۵۱؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۸/۱۹۴) ترجمه های موجود «المصیر» را اینگونه ترجمه کرده اند:

ترجمه کلمه به کلمه یا تحت اللفظی: و بد است آنجای بازگشت (بقره: ۱۲۶) - ما را به سوی توست (بقره: ۲۸۵) (شعرانی).

ترجمه آزاد یا تفضیلی: که بد منزلگاهی است (بقره: ۱۲۶) - و بازگشت همه به سوی توست. (بقره: ۲۸۵) (الهی قمشه ای)؛ و آن بد بازگشتگاهی است. (بقره: ۱۲۶) - و بازگشت همگان به سوی توست. (بقره: ۲۸۵) (صفوی)؛ که بد سرانجامی است. (بقره: ۱۲۶) - سرانجام همه به سوی توست. (بقره: ۲۸۵) (آیتی).

ترجمه امین یا وفادار: و چه بد سرانجامی دارند. (بقره: ۱۲۶) - و بازگشت ما به سوی توست. (بقره: ۲۸۵) (مکارم شیرازی)؛ و چه بد سرانجامی است. (بقره: ۱۲۶) - و فرجام به سوی تو است. (بقره: ۲۸۵) (فولادوند)؛ و چه بد سرنوشتی است. (بقره: ۱۲۶) - و بازگشت به سوی توست. (بقره: ۲۸۵) (بهرام پور).

۲.۲. «وَالْعَذَابُ بِالْمَغْفِرَةِ» (بقره: ۱۷۵) - «وَالْمَغْفِرَةُ بِإِذْنِهِ» (بقره: ۲۲۱) - «وَالْمَغْفِرَةُ خَيْرٌ» (بقره: ۲۶۳)

لغت و تفسیر: «الْمَغْفِرَةُ» مصدر میمی از غَفَرَ يَغْفِرُ، ثلاثی مجرد بر وزن مَفْعَل به کسر العین الفعل، (صافی، ۱۴۰۶ق، ۲/۳۴۹) به معنای قدرت و نهایت و آمرزش و بخشش. «وَالْعَذَابُ بِالْمَغْفِرَةِ» جمله مستانفه برای بیان عظمت وعید و پاداش است که در پاسخ به سوال از سبب عظمت و پاداش بیان شده؛ یعنی پوشاندن آنچه برای شخص واقع شده و بر او سنگین گشته

است. سعادت یا عذاب طولانی و ابدی که موجب ضلالت می‌گردد و در نتیجه عدم آگاهی آنان به حقیقت و نادیده گرفتن اهداف بلند است. پس خریدند عذاب را به مغفرت. یعنی آنها پس از اینکه دانستند عاقبت معصیت عذاب، و نتیجه طاعت ثواب است، اما با این وصف اصرار بر معصیت کردند. مثل اینکه اشتراء ضلالت مربوط به عدول آنها از راه بهشت، به راه جهنم است. (طبرسی، ۱۳۷۳ ش، ۲ / ۱۷۵؛ آلوسی، ۱۴۰۵ ق، ۱ / ۴۴۱ و ۲ / ۳۴؛ اندلسی، ۱۴۲۵ ق، ۲ / ۱۲۴ و ۲ / ۶۶۱؛ طوسی، ۱۳۸۸ ش، ۲ / ۳۳۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ۵ / ۲۰۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ۱ / ۲۶۴) «قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ» مغفرت در اصل به معنای پوشاندن، و عفو و بخشش از ظلم و ستم است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ۲ / ۵۹۶؛ طبرسی، ۱۳۷۳ ش، ۳ / ۱۴۳) با توجه به این توضیحات، ترجمه‌های موجود «الْمَغْفِرَةَ» را اینگونه ترجمه کرده اند:

ترجمه کلمه به کلمه یا تحت اللفظی: آنها آنانند که خریدند عذاب را به آمرزش (بقره: ۱۷۵) - آمرزش به اذنش (بقره: ۲۲۱) - آمرزش بهتر است (بقره: ۲۶۳) (شعرانی).

ترجمه آزاد یا تفضیلی: و آمرزش اختیار کردند. (بقره: ۱۷۵) - به مغفرت دعوت کند. (بقره: ۲۲۱) - طلب آمرزش بهتر است (بقره: ۲۶۳) (الهی قمشه ای)؛ و خداوند به اذن خود - بی آن که کسی یا چیزی او را ناچار کرده باشد - (بقره: ۱۷۵) به بهشت و آمرزش فرامی خواند (بقره: ۲۲۱) - سخنی نیکو گفتن بهتر است. (بقره: ۲۶۳)؛ (صفوی)؛ و عذاب را به جای آمرزش برگزیدند. (بقره: ۱۷۵) - و خدا دعوت می‌کنند به آمرزش (بقره: ۲۲۱) - بخشایش، بهتر است (بقره: ۲۶۳)؛ (آیتی).

ترجمه امین یا وفادار: و عذاب را با آمرزش، مبادله کرده اند. (بقره: ۱۷۵) - آمرزش به فرمان خدا (بقره: ۲۲۱) - بخششی که بهتر است (بقره: ۲۶۳) (مکارم شیرازی)؛ و عذاب را به ازای آمرزش خریدند. (بقره: ۱۷۵) - به سوی آمرزش می‌خواند. (بقره: ۲۲۱) - گذشت بهتر است (بقره: ۲۶۳) (فولادوند)؛ و عذاب را با آمرزش (مبادله و) خریداری کرده اند. (بقره: ۱۷۵) - آمرزش به فرمان و توفیق خدا (بقره: ۲۲۱) - بخشایش، بهتر است. (بقره: ۲۶۳) (خرمدل)؛ و عذاب

تقد و ارزیابی تطبیقی برخی از ترجمه‌های معاصر فارسی قرآن کریم..... ۱۹۱۱۱

را در ازای آمرزش خریدند. (بقره: ۱۷۵) - و خدا به امر خود به بهشت و مغفرت می خواند. (بقره: ۲۲۱) - و سخن خوش بهتر است (بقره: ۲۶۳) (بهرام پور).

۳. ۲. «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ» (بقره: ۲۱۹)

لغت و تفسیر: «الْمَيْسِر» مصدر میمی مانند الموعده، که مشتق از الیسر به معنای گرفتن مال به آسانی، یا مشتق از الیسار که سبب می شود برای آسانی. (صافی، ۱۴۰۶ق، ۲/ ۴۵۵؛ طوسی، ۱۳۸۸ش، ۲/ ۲۰۲) «الْمَيْسِر» مصدر میمی به معنای از دست رفتن مال در نهایت سهل و آسانی؛ گویا در قمار، طرفین می خواهند مال همدیگر را به آسانی بر بایند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲/ ۲۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۳ش، ۲/ ۲۹۹) همچنین به معنای پول بیهوده و گمراه کننده خوردن، آسیب رساندن به خود و دیگران، انجام کارهای زشت و ناخوشایند، دشمنی ذاتی و آشکار، و آنچه برای مردم خطرناک است و موجب انحراف مردم میشود، آمده است. (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۵ق، ۲/ ۴۰۲ و ۴۰۴) ابن عباس، و عبد الله بن مسعود، و الحسن، و مجاهد، و قتاده، و ابن سیرین، می گویند: از ظاهر روایات ما بدست می آید که المیسر یعنی قمار. (اندلسی، ۱۴۲۵ق، ۲/ ۴۰۲؛ طوسی، ۱۳۸۸ش، ۲/ ۲۱۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۱/ ۳۲۹) «مَنَافِعُ» جمع منفعة مصدر میمی بر وزن مَفْعَلَة بفتح المیم و العین، و التاء آخر آن برای مبالغه و بر وزن منافع مفاعل شده است. و پیشگیری از شر بر مبنای آوردن منافع را بیان می کند. (آلوسی، ۱۴۰۵ق، ۱/ ۱۵۰۶؛ صافی، ۱۴۰۶ق، ۲/ ۴۵۵؛ اندلسی، ۱۴۲۵ق، ۲/ ۴۰۲) «مَنَافِعُ» مصدر میمی به معنای منبع سود و منافع، (ابن عاشور، ۱۴۲۷ق، ۲/ ۳۲۶ و ۳۲۸) و به نهایت قیل و ناچیز بودن منافع و سود کار حرام برای مردم، اطلاق می شود. اعراب این نام را بر وزن منبع غیرطبیعی قرار می دهند تا بدانند که اکنون نفع ندارد. (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۱/ ۳۲۹) «و مَنَافِعُ لِلنَّاسِ» و منافی برای مردم است. مثلاً منفعت شراب به این است که بواسطه خرید و فروش آن مالی بدست می آورند و با آشامیدن آن لذت و طرب و نیرویی کسب می نمایند؛ و نفع قمار این است که ممکن است شخصی بدون کار و

۱۱۲۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال چهاردهم، بهار و تابستان ۱۳۹۸ شماره چهل و نهم

زحمت پول رفیق خود را تصاحب میکند و حتی گاهی به فقیران کمک نماید. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۶/۳۹۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱/۲۶۰) با توجه به این معانی بیان شده از «الْمَيْسِرِ» و «مَنْافِعُ»، ترجمه های موجود، این کلمات را اینگونه ترجمه کرده اند:

ترجمه کلمه به کلمه یا تحت اللفظی: میپرسند تو را از شراب و قمار بگو در آن دو تا گناهی بزرگست و سودها از برای مردمان (شعرانی).

ترجمه آزاد یا تفصیلی: از تو از حکم شراب و قمار می پرسند، بگو: در این دو کار گناه بزرگی است و سودهایی برای مردم. (الهی قمشه ای)؛ از تو درباره شراب و قمار می پرسند. بگو: در آن دو گناهی بزرگ و برای مردمان سودهایی است. (صفوی)؛ بگو: تو را از شراب و قمار می پرسند. بگو: در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی است برای مردم. (آیتی)

ترجمه امین یا وفادار: در باره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد. (مکارم شیرازی)؛ درباره شراب و قمار، از تو می پرسند، بگو: در آن دو، گناهی بزرگ، و سودهایی برای مردم است. (فولادوند)؛ بگو: درباره باده و قمار از تو سؤال میکنند. بگو: در آنها گناه بزرگی است و منافی هم برای مردم در بر دارند. (خرمدل)؛ درباره شراب و قمار می پرسند، بگو: در آنها گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است. (بهرام پور)

۲. ۴. «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذْيٌ» (بقره: ۲۲۲)

لغت و تفسیر: «الْمَحِيضِ» مصدر میمی به معنای حیض، که برای حدث و ایجاد شدن، زمان و مکان نیز صلاحیت دارد، که با انتقال کسره الیاء به الحاء، اعلال به ساکن صورت گرفته است. (صافی، ۱۴۰۶ق، ۲/۴۴۶؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۵ق، ۲/۴۲۳) ثلاثی مجرد بر وزن مَفْعَل به معنای نهایت و قوت آزار و ناراحتی. حیض جریان خونی است که از رحم زنان در زمانهای منظم خارج می شود که صفات مخصوصی دارد، و زنان حائض آن صفات را می شناسند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲/۳۱۲؛ طوسی، ۱۳۸۸ش، ۲/۲۲۰؛ ابن عاشور، ۱۴۲۷ق، ۲/۳۴۷)

تذواریابی تطبیقی برخی از ترجمه‌های معاصر فارسی قرآن کریم..... ۲۱۱۱۱

المحیض نام برای محل قاعدگی است. (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۱/ ۳۳۶) پیامبر (ص) می فرمایند: زنان باید در طول دوره قاعدگی بازنشسته شوند، یعنی با آنها مجامعت نشود. (قمی، ۱۴۳۰ق، ۱/ باب جمع) ازدیدگاه مشهور، حمل حیض بر ایذاء، از باب مبالغه نیست و مردان از اینکه می فرماید دوری کنید از زنان، دوری از مجامعت با آنان است. (با توجه به آخر آیه) از اینرو استناد فعل به ذات برای مبالغه است. (طبرسی، ۱۳۷۳ش، ۲/ ۳۰۷؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ۶/ ۴۱۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۲۶۶؛ آلوسی، ۱۴۰۵ق، ۱/ ۵۱۶) با این بیان ترجمه‌های موجود «المحیض» را اینگونه ترجمه کرده اند:

ترجمه کلمه به کلمه یا تحت اللفظی: و می‌پرسند تو را از محیض بگو آن بد است. (شعرانی).

ترجمه آزاد یا تفصیلی: و سؤال کنند تو را از عادت شدن زنان، بگو: آن رنجی است (الهی قمشه ای)؛ از تو درباره عادت ماهانه زنان می پرسند. بگو: این برای آنان رنجی است. (صفوی)؛ تو را از حیض زنان می پرسند. بگو: حیض رنجی است. (آیتی).

ترجمه امین یا وفادار: و از تو، درباره خون حیض سؤال می کنند، بگو: چیز زیانبار و آلوده ای است. (مکارم شیرازی)؛ از تو در باره عادت ماهانه (زنان) می پرسند، بگو: آن، رنجی است. (فولادوند)؛ و از تو درباره حیض می پرسند بگو: زیان و ضرر است. (خرمدل)؛ از تو درباره حیض می پرسند، بگو: آن رنج و ناراحتی است. (بهرام پور).

۲. ۵. «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ» (بقره: ۲۸۰)

لغت و تفسیر: «مَيْسَرَةٌ» مصدر میمی از فعل یسر، و التاء زائد است. اسم برای الیسر که ضد العسر - بضم العین - است. (صافی، ۱۴۰۶ق، ۳/ ۷۹؛ آلوسی، ۱۴۰۵ق، ۲/ ۵۳؛ ابن عاشور، ۱۴۲۷ق، ۲/ ۵۶۲؛ اندلسی، ۱۴۲۵ق، ۲/ ۷۱۷) ثلاثی مجرد بر وزن مَفْعَل به معنای بیشترین و نهایت مهلت دادن به شخص بدهکار است. «مَيْسَرَةٌ» به معنای تمکن و دارا شدن، در مقابل عسرت که به معنای فقر و تنگدستی است. یعنی بدهکار به جهت بدهی اش مورد اذیت و آزار

قرار نگیرد و آنچه برای زندگی خود نیاز ضروری دارد، نباید فروخته شود تا دین خود را بپردازد؛ بلکه لازم است به او مهلت داده شود تا تمکن پیدا کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۲/ ۶۴۹؛ طبرسی، ۱۳۷۳ش، ۳/ ۱۹۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۱/ ۴۳۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۷/ ۸۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۳۲۳) با توجه به معانی بیان شده، ترجمه های موجود «میسرة» را اینگونه ترجمه کرده اند:

ترجمه کلمه به کلمه یا تحت اللفظی: و اگر بوده باشد صاحب عسرتی پس مهلت دادنی است تا وقت یسر. (شعرانی).

ترجمه آزاد یا تفضیلی: و اگر (کسی که از او طلبکار هستی) تنگدست شود به او مهلت دهید تا توانگر گردد. (الهی قمشه ای)؛ و اگر تنگدستی که از پرداخت وام خود ناتوان است وجود داشته باشد، باید تا آن گاه که تمکن یابد به او مهلتی دهید. (صفوی)؛ اگر وامدار تنگدست بود، مهلتی باید تا توانگر گردد. (آیتی).

ترجمه امین یا وفادار: و اگر (بدهکار) قدرت پرداخت نداشته باشد، او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید! (مکارم شیرازی)؛ و اگر (بدهکار) تنگدست باشد، پس تا (هنگام) گشایش، مهلتی به او دهید. (فولادوند)؛ و اگر (بدهکار) تنگدست باشد، پس مهلت (بدو داده) میشود تا گشایشی فرا رسد. (خرمدل)؛ و اگر (بدهکار) تنگدست بود پس مهلتی یابد تا گشایشی یابد. (بهرام پور).

آیه	کلمه به کلمه یا تحت اللفظی	آزاد یا تفضیلی	امین یا وفادار	ترجمه پیشنهادی
المَصِيرُ	بازگشت - مرجع	سرا انجام - بازگشتگاه - منزلگاه	فرجام - سرنوشت - بازگشت - سرانجام	آخرین بازگشتگاه
المَعْفِرَةُ	آمرزش	آمرزش - بخشایش	آمرزش - بخشایش	نهایت بخشش و آمرزش

	گذشت			
از دست رفتن مال در نهایت سهل و آسانی	قمار	قمار	قمار	الْمَيْسِرِ
سود و منفعت	منافع - سودها	سودها	سودها	مَنَافِعُ
نهایت قوت آزار و ناراحتی	خون حیض - حیض - عادت ماهانه زنان	حیض - عادت ماهانه زنان	محيض	الْمَحِيضِ
بیشترین و نهایت مهلت دادن به شخص بدهکار	مهلتی	مهلت دادن	مهلت دادنی	مَيْسِرَةٌ

نتایج مقاله

مطالعه و بررسی آرای گوناگون درباره شیوه‌های ترجمه، و نیز نگاهی به ترجمه‌های موجود و مثال‌های ارائه شده از مصدر میمی سوره بقره از سوی صاحبان آرا، نتایجی به دست می‌دهد که عبارت است از:

۱. هر ترجمه‌ای هر چند لفظ به لفظ و آزاد، ممکن است برای مخاطبان ویژه‌ای مفید باشد، و چه بسا از دیگر ترجمه‌ها مفیدتر، ولی سخن در ترجیح نوع و روشی از ترجمه برای مخاطبان عام است؛ مانند ترجمه معنایی - تفسیری برای عموم مردم.
۲. بسیاری از ترجمه‌های موجود، هر یک مشتمل بر انواع ترجمه است؛ چه بسا قسمتی از یک آیه، ترجمه‌ای لفظ به لفظ داشته باشد و قسمتی تحت اللفظی، وفادار یا آزاد؛ بنابراین، طبقه بندی دقیق ترجمه‌ها اگر ممکن نباشد، دشواری‌های فراوانی دارد.
۳. ترجمه‌هایی را که همراه برداشت‌های تفسیری ارائه می‌شوند، جزو ترجمه‌های تفصیلی قرار دارند، نه ترجمه‌های تفسیری.

۴. جایگزینی و برگردان عبارت‌هایی که مصدر میمی دارند، ترجمه را از وفادار به آزاد خارج نمی‌کند.

۵. مرز دقیق ترجمه وفادار و تفصیلی، آن است که ترجمه وفادار به دنبال انتقال پیام و مفهوم اصلی به زبان مقصد است و مانند ترجمه تفصیلی، به ساختارها و الگوهای بیانی زبان مقصد پایبند است، ولی از آنجا که در این نوع ترجمه، وفاداری به ساختارهای بیانی زبان مبدأ تا حد امکان حفظ می‌شود، پایبندی به ساختارهای زبان مقصد دچار نوسان می‌گردد و از وفاداری او به ساختارها و الگوهای بیانی زبان مقصد می‌کاهد، که این مطلب مرز جدایی ترجمه وفادار، از ترجمه تفصیلی است.

۶. اگر در ترجمه وفادار، افزون بر پایبندی به ساختار زبان مبدأ، ساختار بیانی زبان مقصد را به سان ترجمه تفصیلی رعایت شود، مطلوب‌ترین و دقیق‌ترین روش ترجمه، خواهد بود.

۷. از بین ترجمه‌های یاد شده، ترجمه‌های امین یا وفادار همچون ترجمه آقایان: مکارم شیرازی، خرمدل، فولادوند و بهرام پور، در ترجمه مصدر میمی موفق تر هستند. در مقابل ترجمه آیت الله شعرانی به دلیل تحت اللفظی بودن نتوانسته معنای مصدر میمی را منتقل کند. همچنین ترجمه های آزاد یا تفصیلی چون ترجمه آقایان الهی قمشه‌ای، آیتی و صفوی، با وجود توضیحات تفصیلی، اما متأسفانه نتوانسته اند معنای مصدر میمی که همان قوت و تاکید بر نهایت امری است، را به خوبی منتقل کنند.

کتابشناسی

قرآن کریم

- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (۱۴۲۷ق). *التحریر و التنویر*، بیروت: الموسسه العربیه للدراسات و النشر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۳۶۳ش). *لسان العرب*، قم: نشر أدب الحوزه.
- اندلسی، محمد بن یوسف ابوحیان. (۱۴۲۵ق). *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت: دارالفکر.
- استرآبادی، رضی الدین. (۱۳۹۵ق). *شرح الرضی علی الشافی*، دار الکتب العلمیه، بیروت.
- الهی قمشه ای، مهدی. (۱۳۷۷ش). *ترجمه قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- آلوسی، محمد بن عبدالله. (۱۴۰۵ق). *روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۷۴ش). *ترجمه قرآن مجید*، تهران: سروش.
- بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵ش). *فرهنگ ابجدی*، تهران: نشر اسلامی.
- بهرام پور، ابوالفضل. (۱۳۸۷ش). *ترجمه قرآن کریم*، تهران: نشر تلاوت.
- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم. (۱۳۷۷ش). *قرآن ناطق*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۳۷ش). *مقدمه بر ترجمه قرآن مجید*، تهران: مرآین.
- حسن، عباس. (۱۴۲۲ق). *النحو الوافی*، قم: ناصر خسرو.
- حملای، احمد بن محمد بن احمد. (بی تا). *شفا العرف فی فن الصرف*، بی‌جا: دارالکیان.
- خرمدل، مصطفی. (۱۳۹۱ش). *تفسیر نور*، تهران: احسان.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۷ش). *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، تهران: دوستان.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۴۳۱ق). *روش‌ها و سبک‌های ترجمه متون مقدس با تأکید بر ترجمه قرآن*، بی‌جا: تهران.
- زمخشری محمود. (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دار الکتب العربی.
- سامرائی، فاضل صالح. (۱۴۲۸ق). *معانی الابنیه فی العربیه*، اردن: دار عمار.
- سیدی، سید حسین. (۱۳۹۰ش). *زیبایی‌شناسی آیات قرآن*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شرتونی، رشید. (۱۴۲۷ق). *مبایء العربیه*، قم: دار العلم.
- شعرانی، ابوالحسن. (۱۳۷۴ش). *ترجمه قرآن کریم*، تهران: انتشارات اسلامی.
- صافی، محمود. (۱۴۰۶ق). *الجدول فی اعراب القرآن و صرفه*، بیروت: دارالرشید.

۱۱۱۲۶ // دو فصلنامه مطالعات قد ادبی / سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۸ شماره پیاپی و نهم

- صفوی، محمدرضا. (۱۳۸۸ش). ترجمه قرآن، قم: آبنوس.
- طباطبایی، سید محمدرضا. (۱۳۹۲ش). صرف ساده، دار العلم، قم.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۸ق). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عرب خراسانی، علی. (۱۳۸۹ش). درسنامه صرف، قم: نشر المصطفی.
- غلابینی، مصطفی. (۲۰۰۴م). جامع الدروس العربیة، بیروت: دار الکوخ.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فولادوند، مهدی. (۱۳۷۳ش). ترجمه قرآن، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- فیاض بخش، محمد تقی. (۱۳۸۹ش). ترجمان وحی، بی جا.
- قلی زاده، حیدر. (۱۳۸۰ش). مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم، تبریز: موسسه تحقیقاتی علوم اسلامی انسانی.
- قمی، عباس. (۱۴۳۰ق). سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، قم: اسوه.
- کشمیری، عبد الرسول. (۱۳۹۲ش). صرف کاربردی، مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی.
- مجتبوی، سید جلال الدین. (۱۳۷۲ش). مجله مترجم (فصلنامه علمی فرهنگی)، تهران: مترجم.
- محقق، مهدی. (۱۳۴۴ش). لسان التنزیل، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۳ش). التفسیر و المفسرون فی توبه القشیب، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف، قم: موسسه الدار الکتب الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۶ش). قرآن مجید با ترجمه روان فارسی، قم: دارالقرآن الکریم.
- نیشابوری، حسن بن محمد. (۱۴۲۸ق). شرح النظام، قم: مکتبه العزیزی.